



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار مسؤولان و کارگزاران نظام، به مناسبت عید غدیر خم - 30 / خرداد / 1371

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم این عید سعید و بزرگ را به همه‌ی مسلمین و مستضعفان و عدالتجویان عالم و به ملت شریف و عزیز ایران و به شما عزیزان، تبریک عرض می‌کنم؛ بخصوص به برادرانی که از راههای دور تشریف آورده‌اند و عشق و شیفتگی خود را به مقام والای ولایت عظمی، عملاً اثبات کردند.

در ماجرای غدیر، حقایق بسیاری نهفته است. صورت قضیه این است که برای جامعه‌ی نو پای اسلامی در آن روز، که در حدود ده سال از پیروزی اسلام و تشکیل آن جامعه گذشته بود، نبی مکرم (صلی الله علیه و آله و سلم)، موضوع حکومت و امامت را - با همان معنای وسیعی که دارد - حل می‌کردند و در غدیر خم و در بازگشت از حج، امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) را به جانشینی خود نصب می‌فرمودند. خود همین ظاهر قضیه، البته بسیار مهم است و برای کسانی که در مسائل یک جامعه انقلابی، اهل تحقیق و تدبیر باشند، یک تدبیر الهی است. ولی ماورای این ظاهر، حقایق بزرگی وجود دارد که اگر امامت و جامعه‌ی اسلامی به آن نکات برجسته توجه کند، خط و راه زندگی روشن خواهد شد. اساساً اگر در قضیه‌ی غدیر، عموم مسلمین - چه شیعیان که این قضیه را قضیه‌ی امامت و ولایت می‌دانند و چه غیرشیعیان که اصل قضیه را قبول دارند، اما برداشت آنها از این موضوع، امامت و ولایت نیست - بیشتر توجه خودشان را امروز متوجه و متمرکز به نکاتی کنند که در قضیه‌ی غدیر است، برای مصالح مسلمین دستاوردهای زیادی خواهد داشت.

بنده به یکی دو نکته‌ی از آن نکات، به صورت کوتاه، اشاره می‌کنم. یکی از این نکات مهم، عبارت است از این که، با مطرح کردن امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) و با نصب آن بزرگوار برای حکومت، معیارها و ارزشهای حاکمیت معلوم شد. پیغمبر، در قضیه‌ی غدیر، کسی را در مقابل چشم مسلمانان و دیدگان تاریخ قرار دادند که از ارزشهای اسلامی، به طور کامل برخوردار بودند. یک انسان مؤمن؛ دارای حد اعلای تقوا و پرهیزکاری؛ فداکار در راه دین؛ بی‌رغبت نسبت به مطامع دنیوی؛ تجربه شده و امتحان داده در همه‌ی میدانهای اسلامی؛ میدانهای خطر؛ میدانهای علم و دانش؛ میدان قضاوت و امثال اینها. یعنی با مطرح شدن امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) به عنوان حاکم و امام و ولی اسلامی، همه‌ی مسلمانان در طول تاریخ باید بدانند که حاکم اسلامی، باید فردی در این جهت، با این قواره‌ها و نزدیک به این الگو و نمونه باشد. پس، در جوامع اسلامی، انسانهایی که از آن ارزشها نصیبی ندارند؛ از فهم اسلامی، از عمل اسلامی، از جهاد اسلامی، از انفاق و گذشت، از تواضع و فروتنی در مقابل بندگان خدا و آن خصوصیات که امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام) داشتند، بهره‌ای نداشته باشند، شایسته‌ی حکومت کردن نیستند. پیغمبر، این معیار را در اختیار مسلمانان گذاشتند. و این، یک درس فراموش نشدنی است.

نکته‌ی دیگری که در ماجرای غدیر می‌شود فهمید، این است که امیرالمؤمنین علیه الصلوة و السلام، در همان چند سالی که به خلافت و حکومت رسیدند، نشان دادند که اولویت در نظر آن بزرگوار، استقرار عدل الهی و اسلامی است. یعنی عدالت، یعنی تأمین کردن هدفی که قرآن برای ارسال رسل و انزال کتب و شرایع آسمانی، بیان فرموده است: «لیقوم الناس بالقسط (1)». اقامه‌ی قسط الهی. قسط و عدل با دستوری که اسلام معین کرده، بهترین تضمین و تأمین کننده‌ی عدالت است. این، در نظر امیرالمؤمنین (علیه الصلوة و السلام)، اولویت درجه‌ی اول بود. جامعه‌ی



اسلامی، با عدل و قسط است که قوام پیدا می‌کند و می‌تواند به عنوان شاهد و مبشر و هدایتگر و الگو و نمونه، برای ملت‌های عالم مطرح شود. بدون عدل، ممکن نیست. ولو همه‌ی ارزش‌های مادی و ظاهری و دنیایی هم فراهم شود، اگر عدالت نباشد، در حقیقت هیچ کاری انجام نشده است. این، آن برجسته‌ترین مسأله در زندگی حکومتی امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام) بود. پیغمبر اکرم (صلوات‌الله و سلامه‌علیه) که چنین عنصری را به حکومت و ولایت مسلمین منصوب می‌کردند، در حقیقت اهمیت عدل را بیان فرمودند. پیغمبر می‌دانستند امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام)، در چه جهتی فکر می‌کنند و حرکت خواهند کرد. آن حضرت دست پرورده‌ی پیغمبرند؛ شاگرد پیغمبرند؛ مطیع و عمل‌کننده به فرمان و درس پیغمبرند. پیغمبر با منصوب کردن امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام)، در حقیقت عدل را در جامعه‌ی اسلامی اهمیت بخشیدند و امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام)، در طول همان چهار سال و نه ماه یا ده ماه حکومت ظاهری که داشتند، بیشترین اهتمامشان بر استقرار عدل در جامعه بود. آن حضرت، عدالت را مایه‌ی حیات اسلام و در حقیقت روح مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی می‌دانستند. و این، آن چیزی است که ملتها به آن نیاز دارند و جوامع بشری در دوره‌های مختلف، از آن محروم بوده‌اند. در آن زمان هم محروم بودند؛ قبل از آن زمان هم محروم بودند؛ امروز هم اگر به صحنه‌ی عالم و کاری که ابرقدرتها می‌کنند و روش حکومتی که حکام مادی در دنیا عمل می‌کنند نگاه کنید، باز هم می‌بینید مشکل همین است. مشکل بشریت، در حقیقت فقدان عدالت و اسلام و حکومت علوی و روش و منهاج امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام) است.

امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام)، عدالت را در بین مسلمانان و جامعه‌ی اسلامی جاری می‌کردند و مانع از این شدند که بیت‌المال به اسراف مصرف شود. نگذاشتند دست تطاول باز شود. نگذاشتند کسانی بیت‌المال مسلمین را به ناحق مصرف کنند.

البته بیت‌المال مسلمین در آن روز، به این شکل بود که درآمدهای جامعه‌ی اسلامی به شکل سرانه، بین مردم تقسیم می‌شد. این روش مالیه‌ی جدید و این شکلی که امروز در دنیا وجود دارد، آن روزها معمول نبود. همان درآمد را، امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام)، با سویی تقسیم می‌کردند. بیت‌المال را بین صحابی و غیرصحابی و قرشی و هاشمی و غیرقرشی و غیر خاندان پیغمبر و همه و همه، به شکل یکسان تقسیم می‌کردند و این، مایه‌ی اعتراض خلیفها شد؛ اما امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام)، اعتنایی نکردند. امروز وضع تقسیم بیت‌المال به شکل عادلانه، آن‌طور نیست. امروز تقسیم سرانه نیست و روش‌های دیگری در استقرار عدالت وجود دارد. امروز کسانی که با بیت‌المال مسلمین سروکار دارند، باید از مصرف و خرج کردن بیت‌المال در غیر مصارف عمومی و مردمی، خودداری کنند. این، راه تقسیم عادلانه‌ی بیت‌المال است. اگر مسؤلی خدای ناخواسته، در امر بیت‌المال اسراف بورزد، یا آن را در مصارف شخصی و یا برای دوستان و نزدیکان و مرتب‌تین خود مصرف کند، این، تخلف از عدل و قرار واقعی در امر بیت‌المال است. باید بیت‌المال مسلمین در همان طریقی که قانوناً معین شده و همان مصارف عمومی و بخش‌هایی که وظیفه‌ای از وظایف کشور را بر عهده دارد، مصرف شود. لذا امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة و السلام)، آن روز به کسانی که مسؤولیت امور کشور را بر عهده داشتند، سخت‌گیری را به جایی رساندند که به قول امروز، بخشنامه کردند: «ادقوا اقلامکم»؛ سر قلم‌های خودتان را که با آن می‌نویسید، ریز بتراشید. هم صرفه‌جویی در قلم، هم صرفه‌جویی در کاغذ، هم صرفه‌جویی در مرکب! «و قاربوا بین سطورکم»؛ سطوری را که در کاغذ می‌نویسید به هم نزدیک بنویسید و در کاغذ صرفه‌جویی کنید. «و اقصدا قصد المعانی»؛ مطالب لازم را بنویسید. از زیاده‌روی و زیاده‌نویسی پرهیز کنید.



اگر امروز بخواهند این حرفها را تکرار کنند، به این شکل خواهد بود که از ایجاد دستگاہهای زاید، استخدامهای زاید و توسعه دادنهای زاید، خودداری کنید. یعنی باید از کاغذپراکنی و زیاده‌نویسیهای بیهوده و وقت‌تضییع‌کن، خودداری کنیم. این خصوصیات را، امیرالمؤمنین علیه‌الصلاة والسلام، رعایت می‌کردند. در آخر این جمله هم، که بعضی از فقراتش را من عرض کردم، می‌فرمایند: «فان اموال المسلمین لا یحتمل الاضرار.» ضرر رساندن به اموال مسلمانان را تحمل نمی‌کردند که کسی بخواهد ولو به اندازه‌ی کمی به اموال عمومی ضرر برساند. این، یعنی امانت‌دار دانستن خود و همه‌ی مسؤولین بیت‌المال. این، آن عدل امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام) است. و این آن قله‌ای است که ما باید به آن برسیم. آن بزرگوار - امام (رضوان‌الله تعالی علیه) - هم فرمودند، و همه‌ی ما هم گفتیم: بدیهی است که ما به امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام)، نمی‌رسیم. بدیهی است که بشر معمولی، نه در این زمان، نه حتی در آن زمان، قادر بر این نیست و نبود که مثل آن بزرگوار، مشی کند، یا عدالت را آن‌گونه اجرا کند و یا آن‌طور زندگی کند. موضوع این است که آن حضرت نمونه‌ی کاملند. باید تلاش کنیم خودمان را به آن نمونه‌ی کامل نزدیک و شبیه‌تر کنیم. اگر حرکت ما به گونه‌ای باشد که در حال دور شدن از آن نمونه‌ی کامل باشیم، این، انحراف و خطاست. این متمرکز شدن روی عدالت و دل بستن به عدالت، راز اصلی دشمنی دشمنان اسلام با اسلام، بخصوص در روزگار ماست. در زمانهای قدیم هم البته همین گونه بوده است. اما امروز، علت این که می‌بینید ابرقدرتها با ما - با جمهوری اسلامی؛ با شما ملت - مخالفت دارند، احساس دشمنی دارند، اگر بتوانند ضربه‌ای وارد کنند وارد می‌کنند و پرهیز نمی‌کنند، همین است. چون جمهوری اسلامی، منادی چنان عدالتی است. عدالت بین همه‌ی ملتها؛ بین همه‌ی انسانها؛ بدون این که ملاحظه شود که کی مال کدام نژاد، یا کدام خون، یا کدام رنگ است. امیرالمؤمنین (علیه‌الصلاة والسلام)، در جامعه‌ی اسلامی آن روز و تحت حکومت خود، نگاه نمی‌کردند که این مسلمان است و این مسیحی است یا یهودی است. نسبت به همه‌ی آنها، مثل یک پدر بودند. حافظ منافع آنها بودند.

امروز جامعه‌ی اسلامی ما، این را می‌خواهد و ابرقدرتها حاضر نیستند چنین چیزی را تحمل کنند. زندگی ابرقدرتها، بر زورگویی بنا شده است؛ بر زیاده‌طلبی بنا شده است؛ بر تصرف محیطهای زندگی ملتها و محروم کردن آنها به نفع خود، بنا شده است. لذا می‌بینید از جمهوری اسلامی، ناخشنود و ناراضی‌اند. تبلیغات می‌کنند؛ فشارهای تبلیغاتی وارد می‌آورند؛ فشارهای سیاسی وارد می‌کنند؛ محاصره‌ی اقتصادی می‌کنند و با هرچه که در توان و قدرت دارند، سعی می‌کنند جمهوری اسلامی را در انزوا و در زیر لطمات و ضربات خود قرار دهند. این، به خاطر ترس از عدالت است؛ ترس از آن عدالت اسلامی که منادی آن، شما ملت ایران هستید.

ملتها عدالت را دوست دارند. تشنه‌ی عدالتند؛ و اگر ببینند ملتی پرچم عدالت را در دست گرفته است و در مقابل قلدرها و زورگوهای عالم و در راه عدل، فداکاری و ایستادگی می‌کند، دلگرم و امیدوار می‌شوند. و این، اتفاق افتاده است. از بعد از پیروزی انقلاب تا امروز، ملتها دائم به شما نگاه کرده‌اند که ملت ایران هستید. به فداکاری شما، به صبر شما، به وفاداری شما، به اسلام و قرآن، به عشق شما به قرآن و اسلام و مقام ولایت عظمی، به علاقه‌ی شما به پیمودن این راه، به ایمان شما، به این که زندگی خوب در سایه‌ی ایمان اسلامی تأمین می‌شود و لاغیر، نگاه کرده‌اند. و همین هم هست. رفاه، سعادت، خوشی، صلح و امنیت برای یک ملت، در سایه‌ی ایمان به خدا و حاکمیت ارزشهای الهی تأمین می‌شود و لاغیر. این را، در ملت ما فهمیده‌اند.

ایستادگی ملت ما را هم دانستند. این است که ابرقدرتها عصبانیت دارند. ملتها ضعیف هم به این ملت نگاه می‌کنند و از او می‌آموزند. ایستادگی شما، دنیایی را وادار کرد که در مقابل ظلم و جور و زورگویی استکبار بایستند. دنیا این‌طور



نبود! تنها علاج، در مقابل ظلم و تعدی و تجاوز و نامردمی استکبار، عبارت است از ایستادگی و پایداری روی همان معیارها و میزانهایی که غدیر، سمبل و رمز واقعی آن است؛ یعنی عدالت؛ تلاش برای خدا؛ ارزش دادن به تقوا و جهاد فی سبیل الله. ایستادگی بر روی این معیارهاست که خواهد توانست این راه را در مقابل ملت ایران، باز هم، بازتر و هموارتر کند.

ابرقدرتها اگر خیال می‌کنند ملتی را که قلبش مؤمن به اصول الهی و اسلامی است، می‌شود شکست داد، اشتباه می‌کنند. چنین ملتی را نمی‌شود شکست داد. بحمدالله ملت ایران، با فداکاریهایی که کرده و ایستادگی در این میدان، آثار و ثمرات شیرین آن را، خودشان دیده است. امروز ملت ما عزیز است، سربلند است، مستقل است و تحت نفوذ هیچ سیاستی نیست. نیروهای ملت، آماده برای کار و تلاش کردن و برنامه‌ریزی برای پیشرفت کشورند. اینها برای یک ملت ارزش است. وقتی که ابرقدرتها بر یک کشور و بر یک ملت مسلط باشند، این امکانات و این فرصتها را از آن ملت می‌گیرند؛ همچنان که در طول سالهای سیاه حکومت طواغیت از ما گرفته بودند.

از خدای متعال می‌خواهیم که ما را در راه ایمان به قرآن و اسلام و مقام ولایت، ثابت قدم بدارد و توفیقات خود را بر ما نازل کند. ان شاءالله مسلمانان در همه‌ی کشورهای اسلامی و از هر فرقه از فرق اسلامی که هستند، سعی کنند دل‌هایشان را به هم نزدیک کنند و اتحاد و وحدت فیما بین را حفظ نمایند. که این، خود، سلاح بزرگی در مقابل دشمنان اسلام است.

والسلام علیکم ورحمةالله و برکاته

(1) حدید: 25.